

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه پیشرو شماره ۴۸

۲۹ جولای ۲۰۱۳

مصر، ترکیه و برازیل: نیولیبرالیزم نه!

این روزها تپش شورش و عصیان در برابر سرمایه داری دست کم در چند کشور از جمله مصر، ترکیه و برازیل بالا گرفته است.

در مصر، معترضان که به دیکتاتوری رژیم حسنی مبارک پایان داده بودند، با آمدن محمد مرسی، انتظار داشتند تا وی بحران اقتصادی و سیاسی در کشورشان را که در نتیجه اعمال سیاست های اقتصادی نیولیبرال پدید آمده بود، حل کند و زمینه های نفس کشیدن آزادانه به مردم را فراهم نماید که دیکتاتوری مبارک از آنان گرفته بود. اما مرسی خلاف توقع های زیادی که معترضان از وی داشتند، یک رئیس جمهور ناکام از آب درآمد.

اخوان المسلمین مصر، با آنکه نقش مهمی در خیزش مردم علیه رژیم حسنی مبارک نداشت، در نبود احزاب و سازمان های منسجم مردمی، خود را بر مردم تحمیل کرد و با استفاده از برخی امکانات داخلی و خارجی مخصوصاً حمایت ایالات متحده توانست محمد مرسی را به قدرت برساند، اما در یک سال حکومتداری وی، سیاست های اقتصادی نیولیبرال که فقر و فاصله طبقاتی را بیشتر کرده است، همچنان ادامه یافت، زیرا اخوان المسلمین با آن مخالفتی ندارد. دلیل اصلی که دولت ایالات متحده آمریکا از مرسی حمایت کرد، در همین مسأله نهفته است.

حکومت اخوانی ها در مصر نه تنها نتوانست به مشکلات اقتصادی مردم راه حلی جست و جو کند، بلکه مشکلات اقتصادی این کشور را بیشتر کرد و مصر در حال حاضر در رکود به سر می برد. پس از سرنگونی رژیم حسنی مبارک، خلاف همه امیدواری ها برای بهبود اقتصادی، چهار هزار و پنجصد باب کارخانه تعطیل شد؛ میزان بیکاری که در زمان حسنی مبارک ۹ درصد بود، در سال ۲۰۱۲ به ۱۲.۴ درصد رسید و در نیمه اول سال ۲۰۱۳ میلادی به ۱۳.۵ درصد افزایش یافت؛ قیمت ها به گونه سرسام آور بالا رفته؛ ارزش واحد پولی مصر به شدت پائین آمده و کمبود مواد سوخت نیز دامنگیر مردم شده است.

افزون بر این ها، اسلامیزه کردن زندگی اجتماعی از سوی اخوانی ها از علاقه مندی توریست ها به مصر که یکی از کشورهای محبوب شان است، کاسته و اقتصاد توریستی مصر را زیانمند کرده است. به این دلیل، مصری ها که یک سال پیش در یک اعتراض گسترده، استبداد «سکیولار» حسنی مبارک را از پا در آوردند، بار دیگر به میدان تحریر رفتند و سرانجام با همراهی ارتش، استبداد دینی مرسی را نیز به زیر کشیدند.

در ترکیه نیز، با آنکه استبداد سیاسی و تنگ ترشدن فضای آزادی های مدنی از سوی دولت اردوغان در اعتراض ها نقش محسوس تری داشت، اما در این جا نیز برنامه های اقتصادی نیولیبرال دولت، عامل پایه ئی شورش ها بود.

خیزش مردم از اعتراض به تبدیل پارک گزی استانبول به فروشگاه از سوی دولت ترکیه، آغاز شد، این یعنی یورش به نیولیرالیزم.

گرچه دلیل نخستین اعتراض، یک مسأله محیط زیستی گفته شد، اما چون درد مردم ترکیه به مراتب ژرف تر و عمیق تر از یک مسأله صرفاً محیط زیستی است، دامنه شورش به زودی گسترش یافت و تمام شهرهای این کشور را فرا گرفت.

ترکیه با آن که در چند سال اخیر رشد اقتصادی خوبی داشته، اما سرمایه داران بیشترین سود را از آن برده اند و در نتیجه، شکاف میان فقیر و ثروتمند افزایش یافته است. افزون بر این، دولت اسلامگرای رجب طیب اردوغان که میانه رو لقب گرفته و برای عده ای در برخی کشورها الگو شده، نخواستند تا زمینه آزادی های سیاسی و مدنی را به مردم ترکیه فراهم کند. کمیته حفاظت از روزنامه نگاران در گزارشی در سال ۲۰۱۲ میلادی، ترکیه را بزرگترین زندان روزنامه نگاران خواند. اردوغان، سیاستمداری که در جریان بهار عربی از اعتراض های ضد دیکتاتوران عرب در کشورهای مصر، لیبیا و تونس دفاع کرد و حالا هم در جنگ میان دولت سوریه و شورشیان مخالف بشار اسد، همراه با آمریکا و سایر دولت های غربی از مخالفان مسلح سوریه پشتیبانی می کند، همواره با مخالفانش در داخل ترکیه برخورد دیکتاتورمآبانه داشته و معترضان ترکی با مستبد خواندن وی، خواستار کنار رفتنش از قدرت اند.

در برازیل هم سیاست های اقتصادی نیولیرالیستی دولتی که خود را «چپ» می نامد، سبب شد تا مردم علیه آن بشورند. دولت این کشور که میزبان مسابقه های جام جهانی فوتبال در سال ۲۰۱۴ و بازی های المپیک در سال ۲۰۱۶ است، ۵۰ میلیارد دلار را برای انجام این بازی ها و ساخت استادیوم های ورزشی، خیابان ها و راه ها هزینه کرده است؛ اما به عکس از بودجه تحصیل دانشجویان و خدمات صحتی کم کرده و کرایه حمل و نقل عمومی را افزایش داده است که زیان اصلی آن به طبقه کارگر و سایر فرودستان برازیل می رسد.

معترضان برازیلی با سردادن شعارهای «ما به جام جهانی نیازی نداریم!»، «ما صحت و تحصیل می خواهیم» و «فیفا، پول ما را پس بده»، خشم و انزجارشان را نسبت به عملکرد سودجویانه دولت و سیاست های بورژواپرورانه آن نشان داده اند.

اعتراض ها در مصر، ترکیه و برازیل، ریشه در یک عامل مشترک دارد: نیولیرالیزم که زندگی انسان ها را هر چه بیشتر خصوصی سازی کرده و زمینه های خدمات رایگان صحتی و آموزشی را که یکی از مسؤولیت های پایه ای دولت می باشد، از آنان گرفته است.

بنابر این، شهروندان هر سه کشور با خیزش سراسری و گسترده، این پیام قوی را به دولت های شان رساندند که نیولیرالیزم چه از نوع «کارگری» و «سوسیالیستی» باشد و چه از نوع اسلامی و اخوان المسلمین، به درد فرودستان نمی خورد و باید دور ریخته شود.

اعتراض ها به سرمایه داری جهانی که با رویکرد نیولیرالیزم تلاش دارد تا کارگران و سایر فرودستان را بیشتر استثمار و غارت کند، از چند سال بدینسو رو به گسترش است و به نظر می رسد که تحمل فرودستان دیگر به سر رسیده و سرمایه داری جهانی در آینده نچندان دور با موج گسترده و غیرقابل برگشت شورش و اعتراض روبه رو خواهد شد؛ شورش که آینده جهان را به گونه دیگری رقم خواهد زد.